

مقایسه و ارزیابی ترجمه انصاریان و طاهری از سوره ملک

بر اساس الگوی نقد گارسس

سیده محبوبه کشفی^{۱*}، زهرا قاسم نژاد^۲

۱- دانشجوی دکتری گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه شیراز، ایران

۲- استادیار گروه علوم قرآن و فقه، دانشگاه شیراز، ایران

پذیرش: ۱۴۰۰/۲/۶

دریافت: ۱۳۹۹/۴/۵

چکیده

در ارزیابی و نقد ترجمه‌های قرآن کریم به زبان فارسی نمی‌توان تنها به معنای واژگان و جمله‌ها بسنده نمود، بلکه نیاز است تا با الگوها و نظریه‌های ترجمه‌متون، ترجمه‌های فارسی موجود مورد بازخوانی و نقد قرار گیرد تا بتوان ترجمه‌ای که بیشترین شباهت را به متن اصلی دارد، ارائه داد. یکی از روش‌هایی که می‌تواند چارچوبی کارآمد در ارزیابی کیفیت ترجمه‌های قرآن کریم باشد، نظریه گارسس است که الگویی برای ارزیابی متون ادبی است و در ترجمه نیز تنها به معنای واژه‌ها و جمله‌ها بسنده نکرده و چهار سطح را در نظر داشته است. نوشتار حاضر بر اساس الگوی ارزیابی ترجمه گارسس در چهار سطح (واژگانی، دستوری، گفتمان و سبکی) ترجمه طاهری و انصاریان از سوره ملک را مورد ارزیابی و نقد قرار داده است. مهم‌ترین یافته‌های این پژوهش که با روش توصیفی - تحلیلی نگاشته شده، بیانگر آن است که ترجمه انصاریان و طاهری از منظر شاخص‌های نظریه گارسس قابل نقد و ارزیابی است. ترجمه انصاریان دارای مصادیق بسیاری برای عناصر بسط واژگانی و ترجمه طاهری برای زیرگروه تعدیل، حذف و تقلیل مصادیق فراوانی دارد که این خود از منظر گارسس، شاخص‌های مثبت ترجمه انصاریان را نسبت به ترجمه طاهری قابل توجه‌تر نموده است. همچنین به نظر می‌رسد که ترجمه انصاریان به جهت داده‌های بسیار برای شاخص‌های مرتبط با حوزه زبان مقصد، ترجمه‌ای مقصدگرا و مخاطب محور است.

واژگان کلیدی: قرآن کریم، الگوی نقد گارسس، سوره ملک، ترجمه طاهری، ترجمه انصاریان

۱- مقدمه

۱-۱- بیان مسأله

قرآن کریم از جمله متون مقدسی است که ادبیات ویژه و منحصر به فردی دارد و ترجمه آن را می‌توان با توجه به لایه‌های معنایی متعددی که دارد، یک هنر نامید که پایانی ندارد؛ از این رو هر ترجمه‌ای که از قرآن کریم می‌شود نوعی هنر است که با توجه به نظریه‌ها و الگوهای ترجمه متون قابل ارزیابی است و این ارزیابی می‌تواند به تکامل این هنر کمک نماید به گونه‌ای که ارائه ترجمه دقیق و ارزیابی ترجمه‌های موجود متون نقش به‌سزایی در ارتقای کیفی محصولات ترجمه خواهد داشت. از آنجا که در متن مقدس قرآن تنها واژگان و جملات نیستند که باید ترجمه شوند، بلکه نیاز است لایه‌های معنایی و اعجاز قرآن نیز به زبان مقصد انتقال یابد؛ ضرورت دارد تا ترجمه‌هایی که از قرآن کریم می‌شود در لایه‌های مختلف مورد ارزیابی نظام‌مند و دقیق واقع شود.

جهت ارزیابی متون ادبی الگوهای متعددی ارائه شده است؛ اما الگوی گارسس از جمله الگوهایی است که جهت بررسی ترجمه متون ادبی طراحی شده است و از مهم‌ترین نظریات زبان‌شناسی است که به منظور ارزشیابی سطح کیفی ترجمه‌ها سازمان یافته است. این نظریه به دلیل ظرفیتی که در تعیین میزان قابلیت و کیفیت متون ترجمه شده و نیز میزان مطابقت آن‌ها با متن مبدأ دارد، نظریه‌ای کارآمد در راستای ارزیابی میزان مقبولیت و کفایت ترجمه‌ها می‌باشد و از آنجا که زبان مبدا در این پژوهش، زبان عربی است؛ الگوی چهار سطحی گارسس می‌تواند برای ترجمه‌های قرآن کریم که متن اصلی دارای اعجاز است، سودمند باشد و نشان دهد مترجم تا چه اندازه این اعجاز و زیبایی قرآن را توانسته است به زبان مقصد انتقال دهد. بنابراین در این پژوهش سعی بر آن بوده تا بر اساس الگوی گارسس و به روش توصیفی-تحلیلی، ترجمه انصاریان و طاهری از سوره ملک مورد ارزیابی کیفی قرار گیرد.

بنابراین هدف اصلی و مسأله پژوهش در نوشتار حاضر بر محوریت مقایسه ترجمه انصاریان و طاهری از لحاظ کیفیت ترجمه است؛ مقایسه این دو ترجمه با یک روش علمی دقیق قابل انجام است و آن ارزیابی دو ترجمه در قالب نظریه‌های ترجمه است که به خوبی می‌تواند جنبه‌های مختلف ترجمه را ارزیابی کند و در این میان نظریه گارسس به جهت سطوح مختلفی که برای ارزیابی ترجمه دارد، مناسب‌تر است. همچنین مقایسه این دو ترجمه با الگوی نقد گارسس، می‌تواند نوع ترجمه هر کدام از دو مترجم را نشان دهد و اگر ترجمه‌ای تفسیری- توضیحی است، شاید بتوان به این نتیجه دست یافت که نگاه علمی و تحلیل مترجم سبب می‌شود که ترجمه، رویکردی تفسیری و مخاطب محور پیدا کند و از آن جهت که کار مقایسه بر کل ترجمه قرآن کریم امکان‌پذیر نیست در این جا تنها به انتخاب یک سوره (سوره ملک) که آیات آن پیرامون مباحث اصولی دین مبین اسلام است، اکتفا می‌شود.

۲-۱- پیشینه پژوهش

نقد ترجمه‌های قرآن کریم همواره مورد توجه بوده و پژوهش‌هایی در این زمینه صورت گرفته است، اما نقدهای تخصصی و نظریه محور کمتر دیده می‌شود. یکی از نقدهای نظریه محور بر اساس نظریه گارسس است که در رابطه با الگوی گارسس، بیشترین پژوهش‌ها در حوزه ادبیات فارسی بر رمان‌ها و متون ادبی فارسی صورت گرفته است؛ مانند:

۱. «بررسی، نقد و ارزیابی ترجمه متون ادبی با تکیه بر الگوی گارسس»، پروین فرهادی، (۱۳۹۲).

۲. «ارزیابی و مقایسه ترجمه‌های فارسی رمان انگلیسی شاهزاده و گدا، اثر مارک تواین بر اساس الگوی گارسس» رشیدی و فرزانه، (۱۳۸۹).

البته در حوزه ارزشیابی کیفی ترجمه سوره‌های قرآن کریم بر اساس الگوی گارسس، تاکنون پژوهش‌هایی معدود انجام شده است؛ از آن جمله:

۱. «نقد واژگانی ترجمه موسوی گرمارودی از قرآن کریم (با تکیه بر سطح معنایی-لغوی گارسس)» رحیمی خویگانی، (۱۳۹۶).
 ۲. «نقد و بررسی ترجمه الهی قمشه‌ای و مکارم شیرازی از سوره مبارکه یوسف با تأکید بر نظریه سطح صرفی نحوی گارسس»، مسعود اقبالی و ابراهیم نامداری، (۱۳۹۷).
 ۳. «نقد و ارزیابی کیفیت ترجمه قرآن آیت الله یزدی بر اساس نظریه گارسس (مطالعه موردی: سوره بقره)»، محمد حسن امرائی، (۱۳۹۷).
 ۴. «بررسی میزان کارآمدی سطح نحوی-واژه‌ساختی الگوی گارسس در ارزیابی ترجمه قرآن (مطالعه موردی: ترجمه مکارم شیرازی از پنج سوره قرآن)»، شهریار نیازی و انسیه سادات هاشمی، (۱۳۹۸).
 ۵. «تطبیق و ارزیابی ترجمه‌های قرآن کریم فولادوند و الهی‌قمشه‌ای بر اساس الگوی گارسس (مطالعه موردی: سوره مبارکه قمر)»، محمد علی آذرشب و همکاران، (۱۳۹۸).
- از آن جهت که رشد و بالندگی ترجمه‌های قرآن با نقد و ارزیابی ترجمه‌های موجود شکل می‌گیرد و در این میان نقد نظام‌مند می‌تواند بسیار مؤثر باشد و نظریه گارسس از جمله الگوهایی است که قابلیت کاربست بر ترجمه‌ها را دارد؛ این نوشتار ترجمه انصاریان و طاهری را به دلیل سلیس و روان بودن که برای عموم قابل فهم است بر اساس شاخصه‌های نظریه گارسس مورد مطالعه تطبیقی قرار داده است.

۳-۱- روش پژوهش

نوشتار حاضر به روش توصیفی-تحلیلی است که در دو بخش نظری و تطبیقی مباحث بیان شده است. بخش نظری به تبیین نظریه گارسس و زیر شاخه‌های متعدد آن می‌پردازد و بخش تطبیقی مقاله به کاربست الگو ترکیبی خانم گارسس در ترجمه سوره ملک طاهری و انصاریان می‌پردازد.

۲- مبانی نظری پژوهش

۲-۱- الگوی کارمن والرو گارسس

کارمن والرو گارسس، استاد تمام دانشگاه آکالا، متولد ۱۹۵۸ میلادی است. ایشان در سال ۱۹۹۴ میلادی، این الگو را برای ارزیابی کیفی متون ترجمه شده ارائه کرد. الگو ترکیبی از الگوهای دیگر صاحب نظران در حوزه ترجمه می‌باشد و عقاید وینه^۱، داربلنه^۲، نیومارک^۳، وازکه ایورا^۴، مونن^۵، نوبرت^۶، ستو^۷ و نایدا^۸ را نیز در نظر داشته است (رشیدی و فرزانه، ۱۳۸۹: ۶۱).

وی در جهت سنجش میزان ارتباط متن اصلی و متن ترجمه شده، الگویی با چهار سطح ارائه می‌کند که عبارتند از:

سطح معنایی - واژگانی

سطح نحوی - صرفی

سطح گفتمانی - کارکردی

سطح سبکی - منظورشناختی

عناصر سطح اول، معنایی - واژگانی^۹ عبارتند از: تعریف و توضیح^{۱۰}، همانندسازی^{۱۱}، بسط واژگانی^{۱۲}، قبض واژگانی^{۱۳}، ابهام^{۱۴}، عام و خاص^{۱۵} و اقتباس^{۱۶}.

سطح دوم، نحوی - صرفی^{۱۷} شامل زیر مجموعه‌هایی از جمله ترجمه تحت اللفظی^{۱۸}، دستورگردانی^{۱۹}، تغییر دیدگاه^{۲۰}، جبران^{۲۱}، توضیح و بسط معنا^{۲۲}، تلویح^{۲۳}، تقلیل^{۲۴}، حذف^{۲۵} و تغییر نوع جمله^{۲۶} است.

در سطح سوم، گفتمانی - کارکردی^{۲۷} اجزایی همچون تغییر ساختار درونی متن مبدا، تعدیل اصطلاحات محاوره‌ای^{۲۸}، حذف منظور متن اصلی^{۲۹}، حذف حواشی^{۳۰}، تغییر به علت اختلافات اجتماعی - فرهنگی^{۳۱} و تغییر لحن^{۳۲} مورد بررسی قرار می‌گیرد.

سطح چهارم، سبکی - منظورشناختی^{۳۳} این سطح که آخرین سطح الگوی گارسس را تکمیل می‌کند در بردارنده اجزا و عناصری است که عبارتند از: بیان نامناسب اصطلاحات در متن مقصد^{۳۴}، حفظ ساختار خاص متن مبدا^{۳۵}، حفظ اعلام^{۳۶}، اشتباه مترجم^{۳۷}، بسط

خلاقه^{۳۸}، پرگویی در برابر ساده‌گویی^{۳۹} و تغییر در کارکرد صنایع بلاغی^{۴۰} (Garcés, 1994: 80-83). همچنین این الگو فنون متفاوتی که در همه فعالیت‌های ترجمه مشترک هستند، به سه حوزه اصلی افزایش، مانس (حفظ) و کاهش تقسیم کرده و با ارائه شاخص‌های مثبت و منفی، کفایت و مقبولیت ترجمه را رده بندی می‌کند.

۲-۲- روش تجزیه و تحلیل داده‌ها بر اساس الگوی گارسس

پژوهش حاضر به ارزیابی ترجمه منتخب سوره ملک، به قلم انصاریان و طاهری می‌پردازد. سوره ملک بنا بر ترتیب مصحف کنونی، شصت و هفتمین سوره قرآن است که دارای ۳۰ آیه می‌باشد و با مبحث مالکیت، حاکمیت خداوند و جاودانگی ذات او آغاز می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۲۴: ۳۱۵).

سوره ملک در مطالعه موردی دو مترجم مذکور به این دلیل انتخاب شد که ترجمه مباحث اصولی قرآن کریم با تکیه بر الگوی گارسس مورد ارزیابی قرار گیرد و از سویی تعداد آیات به گونه‌ای باشد که بتوان از آن نتیجه‌ای منطقی گرفت. الگوی گارسس در میان الگوهای متعدد ارزیابی کیفی ترجمه جهت معیار ارزیابی انتخاب شده است که شامل چهار سطح متفاوت با عناصر خاصی هستند که متن ترجمه مترجمان بر اساس آن سنجیده می‌شود. در این نوشتار، پس از ذکر شواهد برای هریک از عناصر بر طبق الگوی گارسس، نتایج به صورت جداول و نمودارهای توزیع فراوانی ارائه می‌گردد.

۳- کاربست الگوی گارسس بر ترجمه طاهری و انصاریان

عناصر چهار سطح الگوی گارسس به صورت تطبیقی و کاربردی در ترجمه مترجمان انصاریان و طاهری بر سوره ملک توضیح و شواهد آن ارائه می‌شود:

۳-۱- سطح اول، معنایی - واژگانی

عناصر و زیر مجموعه‌های سطح معنایی - واژگانی شامل موارد ذیل است:

۳-۱-۱- همانندسازی

همانندسازی روشی برای ترجمه اصطلاحات بنیادی فرهنگی است (رحیمی خویگانی، ۱۳۹۷: ۱۹). از آنجا که مترجم سعی در انتقال معادل‌های مناسب در زبان مقصد دارد، گاه از واژگانی در زبان مقصد استفاده می‌کند که اصالت آن به زبان مبدأ برمی‌گردد؛ اما به دلیل آشنایی خوانندگان و رایج بودن آن در زبان مقصد، همان را به عنوان واژه معادل به کار می‌برد. بدین ترتیب در عبارت‌های مترجمان قرآن کریم، برخی الفاظ مشهور قرآنی دیده می‌شود که به جهت کاربرد رایج و فهم آن در زبان فارسی، برابر فارسی اصیل برای آن‌ها انتخاب نشده است.

واژگان قرآنی در سوره ملک که جزء واژگان مرسوم زبان فارسی به شمار می‌آیند، عبارتند از: «ماده عذاب، کفر، حشر، هدی، امن و وکل».

انصاریان در آیات ۶، ۱۸، ۲۸، و طاهری در آیات ۵، ۶، ۲۸ از همان واژه عربی «عذاب» در ترجمه فارسی استفاده کرده‌اند. واژه‌های «ایمان» و «توکل» در آیه ۲۹ سوره ملک توسط انصاریان و طاهری به همین صورت در ترجمه به کار رفته است. ماده «کفر» در ترجمه انصاریان در آیات ۶، ۲۰، ۲۷، ۲۸ معادلی فارسی برای آن انتخاب نشده و به دلیل شهرت و رایج بودن در زبان فارسی به همین صورت آورده شده است. همچنین واژه «هدایت» در آیه ۲۲ توسط انصاریان بدون معادل فارسی آمده است.

انصاریان در ترجمه آیه ۲۴ خود واژه «حشر» را برای ترجمه فارسی انتخاب کرده است. طاهری در آیه ۲۱ کلمه «لَجُؤًا» را به «لجاج می‌ورزند» ترجمه کرده است، البته شاید تعبیر فارسی «پافشاری کردند» مناسب‌تر به نظر آید.

در بحث همانندسازی یک نکته بسیار قابل توجه است و آن این‌که برخی مترجمان، اصل یکسان‌سازی در ترجمه این موارد را در قرآن و حتی در یک سوره رعایت ننموده‌اند و بدین ترتیب علیرغم تکرار واژگان فوق در سوره ملک، تفاوت معادل‌ها توسط مترجمان مشاهده می‌شود. این‌که مترجم واژه کفر را در برخی از آیات عیناً به ترجمه انتقال داده و در برخی از آیات برای آن معادل فارسی انتخاب نموده است، از نقاط ضعفی است که در

ترجمه‌های فارسی مشهود است. اما آن چه در مقایسه این دو ترجمه دیده می‌شود درصد همانندسازی بالا در ترجمه انصاریان است که نشان می‌دهد انصاریان عناصر بنیادی فرهنگی را بدون ترجمه عیناً به زبان فارسی انتقال داده است.

۳-۱-۲- بسط واژگانی

گاه افزودن یک یا چند واژه در زبان مقصد نسبت به متن اصلی ضرورت دارد؛ زیرا باید مفهومی که در زبان مبدأ به تلویح بیان شده است، در زبان مقصد به آن تصریح شود (Garcés, 1994: 81). بسط واژگانی، زمانی از ویژگی‌های مثبت ترجمه محسوب می‌شود که راهکاری جهت برون رفت از ترجمه نامفهوم باشد (رحیمی خویگانی، ۱۳۹۷: ۱۶)؛ چنان‌که گاه مترجمان در معادل‌یابی افعال در زبان مقصد، واژه‌ای را اضافه کرده‌اند و همین موجب بسط واژگانی شده است. نمونه‌های ذیل از مواردی است که سبب بسط واژگانی شده است:

- **حال مفرد:** گاه مواردی دیده می‌شود که مترجم حال از نوع مفرد در زبان مبدأ را به حال از نوع جمله در زبان مقصد ترجمه می‌کند. انصاریان در آیه ۱۹ واژه ﴿صَافَّاتٍ﴾ را به جمله حالیه فعلیه «در حالی که بال می‌گشایند» ترجمه کرده است و به نظر می‌رسد که «پرگشوده» مناسب‌تر باشد.

- **تغییر زمان ماضی ساده به ماضی نقلی:** در برخی موارد دیده می‌شود در ترجمه فعل ماضی به صورت ماضی نقلی ترجمه شده است؛ طاهری در آیات ۱۴ ﴿خَلَقَ﴾ آفریده است ﴿و ۲۹ تَوَكَّلْنَا: توکل کرده‌ایم﴾ و انصاریان نیز در آیه ۱۴ ﴿خَلَقَ﴾ آفریده است ﴿فعل ماضی را به صورت ماضی نقلی ترجمه کرده است.

- **تغییر مجهول به معلوم:** در زبان عربی زمانی که فعلی به صورت مجهول به کار می‌رود نباید آن را به صورت معلوم ترجمه کرد و یا اینکه فعل مجهول را به همراه فاعل ترجمه کرد. در ترجمه انصاریان در آیه ۲۷ ﴿قِيلَ﴾ و به آنان گویند. این تبدیل صورت گرفته

است؛ در آیات ۱۶ و ۱۷ ﴿أَمِثُّمُ﴾ ایمن شده‌اید- ایمن شده‌اید ﴿فعل مجهول به صورت معلوم ترجمه شده است.

البته بسط واژگانی که در ترجمه انصاریان بیشتر از ترجمه طاهری دیده می‌شود در برخی موارد مانند تبدیل فعل مجهول به معلوم یا ترجمه زمان ماضی ساده به ماضی نقلی سبب می‌شود ایجاز و هدف قرآن به خوبی به زبان مقصد انتقال داده نشود. هر چند ما معتقدیم در برخی موارد هم بدون بسط واژگانی نمی‌توان به ترجمه پرداخت ولی این بسط باید بر اساس ضوابطی باشد که ساختار زبان مبدأ را به خوبی به زبان مقصد انتقال دهد.

۳-۱-۳- قبض واژگانی

قبض واژگانی، نقطه مقابل بسط واژگانی است و آن هم به کار بردن یک واژه در زبان مقصد در برابر چند واژه‌ی زبان مبدأ است (Garcés, 1994:81). در ترجمه‌های فارسی قرآن کریم می‌توان موارد ذیل را از قبض واژگانی برشمرد.

- تبدیل جمع به مفرد: به نظر می‌رسد می‌توان ترجمه جمع به مفرد را در این دسته برشمرد. انصاریان در آیه ۲۳ دو لفظ ﴿الْأَبْصَارُ: دیده- الْأَفْئِدَةُ: دل﴾ و طاهری در همین آیه ﴿الْأَبْصَارُ: چشم- الْأَفْئِدَةُ: دل﴾ را به صورت مفرد ترجمه کرده‌اند.

- صله و موصول: در ترجمه طاهری موصول و صله را به صورت یک اسم مفرد ترجمه کرده است، ایشان آیه ۱۸ ﴿الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ﴾ را به (پیشینیان آن‌ها) ترجمه کرده است، همچنین در آیه ۲۷ ﴿وُجُوهُ الَّذِينَ كَفَرُوا: رخسارشان﴾ به اسم مفرد ترجمه کرده است. انصاریان نیز در آیه ۲۷ ﴿وُجُوهُ الَّذِينَ كَفَرُوا: چهره کافران﴾ صله و موصول را به اسم مفرد ترجمه کرده است.

- تبدیل زمان ماضی نقلی به ماضی ساده: صورت‌های مختلفی که می‌توان در فارسی به صورت ماضی نقلی ترجمه کرد، عبارتند از:

- | | | |
|------------------------------|--|-----------------------|
| (۱) قد+ فعل ماضی | (۲) طالما، کثرتما، قلما+ فعل ماضی | (۳) لَمَّا+ فعل مضارع |
| (۴) لَمَّا+ فعل مضارع+ بعداً | (۵) لم+ فعل مضارع+ بعداً (معروف، ۱۳۸۷: ۱۷۸-۱۷۹). | |

اما با وجود ساختارهای فوق در سوره ملک، مترجمان مورد نظر در برخی موارد به ماضی نقلی ترجمه نکرده‌اند. انصاریان و طاهری، آیات ۵ ﴿لَقَدْ زَيَّنَّا: آراستیم - جعلنا: قرار دادیم﴾ و ۹ ﴿قَدْ جَاءَنَا: آمد﴾ را به صورت ماضی ساده ترجمه کرده‌اند.

- **تبدیل لفظ عام به لفظ خاص:** نمونه‌ای دیگر از قبض واژگانی، توجه نکردن به عمومیت الفاظ در برخی ساختارها است. سیوطی در ابتدای نوع چهل و پنجم از کتاب الاتقان فی علوم القرآن، عام و خاص، به صیغه‌های عام می‌پردازد و نکره در سیاق نفی را یکی از نشانه‌های عام بودن لفظ می‌داند (سیوطی، ۱۴۲۱، ج ۱: ۶۳۲).

بنابراین مترجم باید این عمومیت را با الفاظی همچون هیچ، همه، هر و ... به زبان مقصد انتقال دهد. اما مواردی در ترجمه سوره ملک دیده می‌شود که با اضافه نکردن الفاظ نامبرده موجب قبض واژگانی شده‌اند. طاهری در آیه ۹ ﴿مَا نَزَّلَ اللَّهُ مِنْ شَيْءٍ﴾ به (خدا چیزی نازل نکرده است) ترجمه کرده است.

- **تغییر معلوم به مجهول:** در ترجمه طاهری در آیات ۱۶ و ۱۷ ﴿أَمِئْتُمْ: ایمن شده‌اید﴾ فعل معلوم به صورت مجهول ترجمه شده است و موجب حذف فاعل و قبض واژگانی شده است.

- **حذف به قرینه صارفه:** یکی از موارد جایز در حذف فعل، وجود قرینه لفظی است که بدان حذف به قرینه صارفه گویند. بدین معنی که فعل‌های یکسان به قرینه یکدیگر به جز یک مورد حذف می‌شوند. در ترجمه طاهری یک مورد حذف فعل «کنید» از آیه ۱۳ مشاهده می‌شود که با اتکاء به قرینه قبلی حذف شده است و حذف فعل «می‌کنند» در آیه ۱۹ به قرینه دیده می‌شود.

- **تغییر ترکیب اضافی به اسم مفرد:** در ترجمه طاهری مشاهده می‌شود که ترکیب اضافی ﴿أَصْحَابِ السَّعِيرِ﴾ در آیه ۱۰ را به اسم مفرد (دوزخی) ترجمه کرده است که به نظر می‌رسد ترجمه به صورت اضافی (اهل آتش) در تبیین و انتقال حس خوف مناسب‌تر می‌باشد.

بنابراین قبض واژگانی نیز نمی‌تواند در همه موارد نیکو باشد؛ زیرا گاهی برای انتقال احساس نیاز به بسط واژگانی است و البته قبض واژگانی در برخی موارد ساختار زبان مقصد و مبدأ را هم در نظر نمی‌گیرد که این از نقاط ضعف است.

۳-۱-۴- ابهام

این بخش در ترجمه‌های منتخبِ سوره ملک فاقد نمونه است.

۳-۱-۵- عام و خاص

این بخش در ترجمه‌های منتخبِ سوره ملک فاقد نمونه است.

۳-۱-۶- اقتباس

این بخش در ترجمه‌های منتخبِ سوره ملک فاقد نمونه است.

۳-۱-۷- تعریف و توضیح

تعریف، اشاره به معنی واژه به صورت عبارت اسمی یا شبه‌جمله‌ی وصفی است (Garcés, 1994: 80-81). برخی مترجمان در ترجمه آیات بر خود لازم می‌دانند که در متن مقصد مطالبی را اضافه نمایند که می‌توان از آن به توضیح تفسیری یاد کرد. البته باید خاطر نشان کرد که برخی افزوده‌ها در ترجمه جزء افزوده‌های غیر لازم محسوب می‌شوند.

انصاریان در آیه ۵ ﴿زَيْنَا السَّمَاءِ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحٍ﴾ ما آسمان دنیا را با چراغ‌هایی آراستیم، و آیه ۹ ﴿فَكَذَّبْنَا: وَلِيَّ او را انکار کردیم﴾، ﴿أَنْتُمْ: شما بیم‌دهندگان﴾ و آیه ۱۶ ﴿هِيَ تَمُورُ: زلزله و جنبش موج‌آسایش را ادامه دهد؟﴾، ﴿أَمْثَلُمْ مَنْ فِي السَّمَاءِ: آیا از کسی که [حاکمیت و فرمانروایی‌اش] در آسمان قطعی است﴾ و آیه ۱۸ ﴿وَلَقَدْ كَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ: و مسلماً کسانی که پیش از آنان بودند [آیات خدا و پیامبران را انکار کردند]﴾ و آیه ۱۹ ﴿مَا يُمْسِكُهُنَّ إِلَّا الرَّحْمَنُ: فقط [خدای] رحمان در فضا نگه می‌دارد؟﴾، آیه ۲۰ ﴿يَنْصُرُكُمْ مِنْ دُونِ الرَّحْمَنِ: به هنگام نزول عذاب در برابر خدای رحمان یاری دهد﴾، آیه ۲۱ ﴿إِنْ أَمْسَكَ رِزْقَهُ: اگر خدا

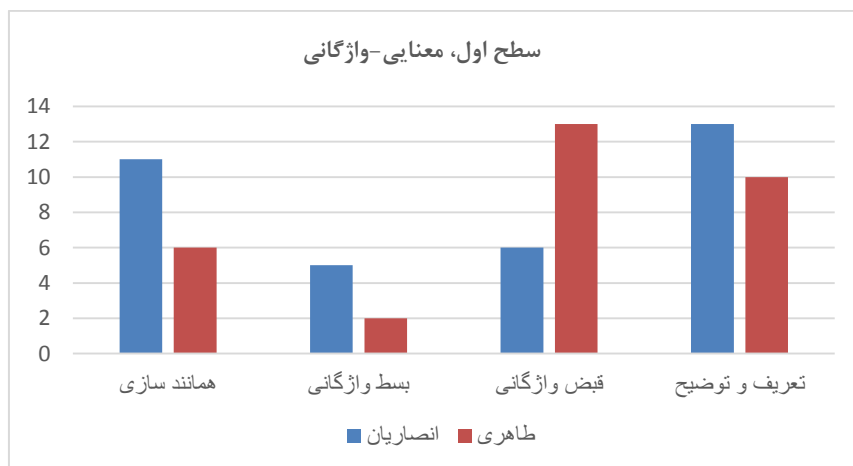
روزی‌اش را از شما باز دارد؟»، آیه ۲۵ ﴿هَذَا الْوَعْدُ﴾ این وعده وقوع [رستاخیز]، آیه ۲۷ ﴿وَقِيلَ﴾ [و به آنان گویند:] و آیه ۳۰ ﴿إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا﴾ اگر آب مورد بهره‌برداری شما [چون آب رودها، چشمه‌ها، سدها و چاه‌ها] در زمین فرو رود» مواردی را به ترجمه افزوده است.

طاهری در آیات ۷ ﴿إِذَا أَلْقَا فِيهَا﴾ چون در دوزخ افکنده شوند، ۱۶ ﴿أَمْ أَنْتُمْ مِنْ فِي السَّمَاءِ﴾ آیا از [مجازات] خدایی که [حاکم] بر آسمان [ها] است، ایمن شده‌اید، ۱۷ ﴿عَلَيْكُمْ﴾ بر سر شما، ۲۱ ﴿لَجُوا فِي غُتٍّ وَ تُفَوَّرُ﴾ آنها در سرکشی و بیزاری [نسبت به حق]، لجاج می‌ورزند، ۲۷ ﴿وَقِيلَ﴾ به آنها گفته می‌شود، ۲۷ ﴿فَلَمَّا رَأَوْهُ زُلْفَةً﴾ هنگامی که انکار ورزان رستاخیز را نزدیک مشاهده کنند، ۲۹ ﴿الرَّحْمَنُ﴾ خدای رحمان و ۳۰ ﴿مَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَعِينٍ﴾ کیست که باز برای شما آب جاری پدید آورد؟ ۳۰ ﴿إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا﴾ اگر آب [های جاری] شما به زمین فرو رود» افزوده‌هایی در ترجمه دارد.

به طور کلی می‌توان ترجمه هر دو مترجم را در سطح یک الگوی گارسس به صورت جدول و نمودار ذیل ترسیم نمود:

سطح اول، معنایی-واژگانی

مترجمان	انصاریان	طاهری
همانندسازی	۱۱	۶
	تغییر مجهول به معلوم	۰
	تغییر زمان ماضی ساده به ماضی نقلی	۲
	حال مفرد	۰
	تبدیل جمع به مفرد	۲
	صله و موصول	۲
	تبدیل زمان ماضی نقلی به ماضی ساده	۲
قبض واژگانی	۰	۱
	تغییر معلوم به مجهول	۲
	حذف به قرینه صارت	۲
	تغییر ترکیب اضافی به اسم مفرد	۱
	۳	۱



در سطح اول الگوی گارسس، ترجمه انصاریان دارای داده بسیاری برای عناصر تعریف، توضیح و بسط واژگانی است و این در حالی است که ترجمه طاهری برای زیرگروه قبض واژگانی مصادیق بیشتری را داراست. بر این اساس می‌توان ترجمه انصاریان را ترجمه‌ای توضیحی و تفسیری برشمرد که بیشتر مخاطب و زبان مقصد را توجه داشته است و سعی داشته مفاهیم مطرح شده در زبان مقصد گویا و روشن باشد به همین روی نسبت به ترجمه طاهری دارای بسط واژگانی بالاتری است. البته یک نکته قابل تأمل است که ترجمه انصاریان عناصر فرهنگی زبان مبدأ را در زبان مقصد همانندسازی نموده است و گویا فهم مخاطب که واژه‌ای را در زبان مبدأ می‌فهمیده کفایت می‌کرده و نیازی به ترجمه نمی‌دیده است.

۳-۲- سطح دوم، نحوی- صرفی

در الگوی گارسس، این سطح شامل زیر مجموعه‌هایی ذیل است که شواهد ترجمه‌های مترجمان مذکور برای هریک از موارد مرتبط ذکر می‌شود.

۳-۲-۱- ترجمه تحت اللفظی

خانم گارسس بر این باور است که گاه مترجم با ترجمه تحت اللفظی واژه به واژه موجب می‌شود که فهم متن اصلی مشکل‌تر شود (Garcés, 1994: 81). معنای عبارت «أَرَأَيْتُمْ» به «آیا دیدید»، ترجمه‌ای تحت اللفظی است که سیوطی در کتاب الاتقان معنای دیگری برای آن تعریف می‌کند: «إذا دخلت علی ﴿رَأَيْت﴾ امتنع ان یکون من رویه البصر و صار بمعنی (اخبرنی)» (سیوطی، ۱۴۲۱، ج ۱: ۴۵۶) با این حال، طاهری «أَرَأَيْتُمْ» در آیه ۲۸ و ۳۰ را (به نظر شما) ترجمه کرده است. زمانی که مترجم پایبند به ترجمه تحت اللفظی در هر موقعیت و شرایطی باشد، ترجمه او مخاطب‌محور نمی‌تواند باشد و در فهم مخاطب از متن مبدأ خلل ایجاد می‌کند.

۳-۲-۲- ترجمه از طریق تغییر نحو (دستور گردانی)

در این مورد مترجم ناگزیر است که اجزای کلام را تغییر دهد؛ اما تغییر نحو نباید موجب جابجایی تأکید جمله شود. (Newmark, 1988: 85-88). در زمینه تغییر نحو یا دستور گردانی می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

- تغییر جمله اسمیه به فعلیه: طاهری در آیه ۹ ﴿إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا فِي ضَلَالٍ كَبِيرٍ﴾ ساختار جمله اسمیه و خبر شبه جمله را به خبر جمله تغییر داده است: «شما در گمراهی بزرگی قرار گرفته‌اید» که ترجمه ساختار اسمیه چنین است: «شما جز در گمراهی بزرگی نیستید» باید به این مهم توجه داشت که بار تأکیدی در جملات اسمیه بیشتر از جملات فعلیه است (تفتازانی، ۱۳۷۶: ۹)؛ بنابراین تغییر نحو مترجمان در این آیات منجر به کاستن بار تأکیدی جمله شده است.

۳-۲-۳- ترجمه از طریق تغییر دیدگاه و دگرینی

تغییر از طریق اختلاف طرز تلقی و طرز تفکر موجب می‌شود که ترجمه‌ای متفاوت ارائه شود (Newmark, 1988: 88). در مورد دیدگاه مترجم می‌توان به مواردی اشاره داشت:

- دیدگاه مترجم نسبت به مفاهیم واژگان: مترجمان در ترجمه بسمله این سوره اختلاف دارند. انصاریان بسمله را «به نام خدا که رحمتش بی اندازه است و مهربانی اش همیشگی» ترجمه کرده است؛ اما طاهری «به نام خدای رحمان (و) رحیم» ترجمه نموده است. همچنین این گوناگونی ترجمه در آیه ۲۴ برای واژه ﴿ذُرْأُكُمْ﴾ هم مشاهده می شود؛ طاهری معادل واژه را «پدیدآورد» و انصاریان «آفرید» دانسته است. در ترجمه آیه ۱۹ هم ﴿أَوَلَمْ يَرَوْا﴾ انصاریان معادل «آیا ندانسته اند؟» را برگزیده است؛ در حالی که با توجه به اینکه یکی از پدیده های طبیعت مورد مثال آیه است، مراد از «یری» دیدن است هرچند که پیامد و آثار نگاه کردن، اندیشیدن و دانستن است.

- دیدگاه مترجم به نقش واژه: دیدگاه مترجمان نسبت به نقش واژه «زلفه» در آیه ۲۷ موجب گوناگونی ترجمه شده است، بدین نحو که طاهری نقش آن را حال دانسته: «هنگامی که انکار ورزان رستاخیز را نزدیک مشاهده کنند» و انصاریان نقش آن را مفعول به می داند و به صورت «پس زمانی که آن [وعده داده شده] را از نزدیک ببینند» ترجمه کرده است. انصاریان و طاهری واژه ﴿بِالْغَيْبِ﴾ در آیه ۱۲ را متعلق به یخشون می دانند؛ اما به نظر می رسد که نقش حال مناسب تر می باشد. بنابراین اختلاف در تشخیص نقش واژه در جمله سبب شده است که مترجمان به صورت های مختلف ترجمه کنند.

۳-۲-۴- جبران

این بخش در ترجمه های منتخب سوره ملک فاقد نمونه است.

۳-۲-۵- توضیح و بسط معنا

این بخش در ترجمه های منتخب سوره ملک فاقد نمونه است.

۳-۲-۶- تغییر در نوع جمله

این بخش در ترجمه های منتخب سوره ملک فاقد نمونه است.

۳-۲-۷- تلویح، تقلیل و حذف

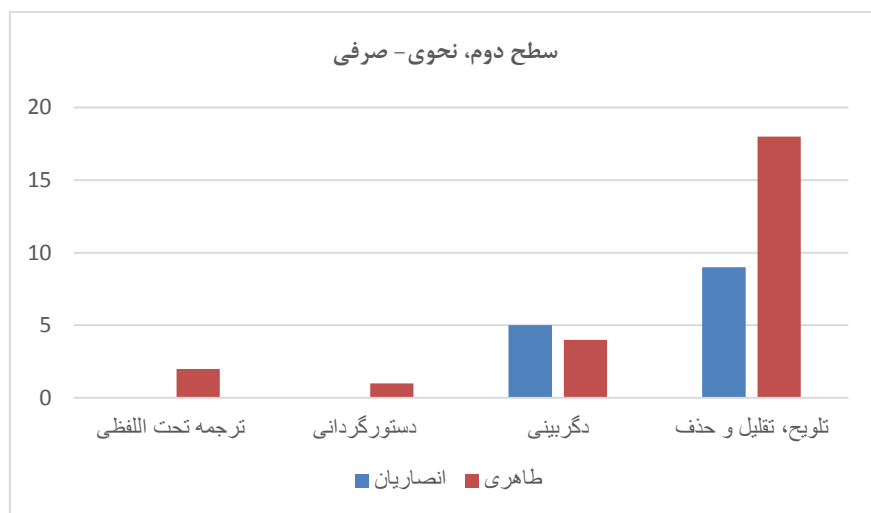
گاه عناصری در متن اصلی (زبان مبدا) تصریح شده است؛ اما می‌توان آن را در زبان مقصد به تلویح بیان کرد، یا کاهش داد و یا به طور کلی حذف کرد (Garcés, 1994: 149). البته مترجم باید در قبال هر حذفی پاسخگو باشد (Newmark, 1988: 169). اینک چند نمونه از موارد حذف، آورده می‌شود.

طاهری در آیات ۵ ﴿لَقَدْ زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحَ﴾ آسمان نزدیکتر را با چراغها [بی] آراستیم ﴿۷﴾ ﴿الْقَوَا فِيهَا﴾ در دوزخ افکنده شوند ﴿۷﴾ ﴿هِيَ تَقُورُ﴾ به جوش و خروش می‌افتد ﴿۱۰﴾ ﴿مَا كُنَّا فِي أَصْحَابِ السَّعِيرِ﴾ [امروز] دوزخی نبودیم ﴿۱۳﴾ ﴿إِنَّهُ عَلَيْهِمْ بَذَاتِ الصُّدُورِ﴾ [به هر حال] خدا به راز دلها داناست ﴿۱۴﴾ ﴿وَهُوَ اللّطِيفُ الْخَبِيرُ﴾ در حالی که باریک بین و آگاه است ﴿۱۶﴾ ﴿مَنْ فِي السَّمَاءِ﴾ خدایی که [حاکم] بر آسمان [ها] ﴿۱۶﴾ ﴿هِيَ تَمُورُ﴾ [زمین] در جنبش و اضطراب است ﴿۱۷﴾ ﴿فَسْتَغْلَمُونَ﴾ به زودی خواهید دانست ﴿۱۸﴾ ﴿وَلَقَدْ كَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ﴾ پیشینیان آنها نیز دروغ‌پرداز شمرده شدند ﴿۱۸﴾ ﴿فَكَيْفَ كَانَ نَكِيرِ﴾ تعرض من چگونه بود؟ ﴿۲۱﴾ ﴿يَلْجَأُ لَجْأًا فِي غَوٍِّ وَنُفُورٍ﴾ آنها در سرکشی و بیزاری [نسبت به حق]، لجاج می‌ورزند ﴿۲۲﴾ ﴿أَفَمَنْ﴾ آیا کسی که ﴿۲۵﴾ ﴿وَيَقُولُونَ﴾ می‌گویند ﴿۲۷﴾ ﴿فَلَمَّا﴾ هنگامی که ﴿۲۹﴾ ﴿فَسْتَغْلَمُونَ﴾ بزودی خواهید دانست ﴿۲۹﴾ ﴿مَنْ هُوَ فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ﴾ چه کسی در گمراهی آشکار است ﴿۳۰﴾ ﴿فَمَنْ﴾ کیست ﴿۳۰﴾ مواردی را ترجمه نکرده است.

انصاریان در آیات ۷ ﴿هِيَ تَقُورُ﴾ در جوش و فوران است ﴿۹﴾ ﴿قَدْ جَاءَنَا نَذِيرٌ﴾ بیم‌دهنده آمد ﴿۱۵﴾ ﴿كُلُوا مِنْ رِزْقِهِ﴾ از روزی خدا بخورید ﴿۱۶﴾ ﴿أَنْ يَخْشِفَ بِكُمْ الْأَرْضُ﴾ از اینکه [با شکافتن زمین] شما را در آن فرو برد ﴿واژه زمین باید بیرون از پرانتز قرار گیرد﴾ ﴿۱۹﴾ ﴿مَا يُمَسِّكُهُنَّ إِلَّا الرِّحْمُنُ﴾ فقط [خدای] رحمان در فضا نگه می‌دارد؟ ﴿۲۲﴾ ﴿أَفَمَنْ﴾ آیا کسی که ﴿۲۲﴾ ﴿عَلَى وَجْهِهِ﴾ نگویند و به صورت افتاده ﴿۲۸﴾ ﴿رَحِمْنَا﴾ مورد رحمت قرار دهد ﴿۲۹﴾ ﴿مَنْ هُوَ فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ﴾ چه کسی در گمراهی آشکار است ﴿۳۰﴾ مواردی را ترجمه نکرده است. اینک اطلاعات این سطح در قالب جدول و نمودار ذیل گزارش داده می‌شود:

سطح دوم، نحوی - صرفی

حذف	دگرینی		دستور گردانی	ترجمه تحت اللفظی	مترجمان
	دیدگاه مترجم به نقش واژه	دیدگاه مترجم به نسبت به مفاهیم و ارکان			
۹	۲	۴	۰	۰	انصاریان
۱۸	۲	۲	۱	۲	طاهری



بنابر داده‌های به دست آمده، ترجمه طاهری دارای بیشترین فراوانی در دستور گردانی، ترجمه تحت اللفظی و تلویح، تقلیل و حذف نسبت به ترجمه انصاریان دارد که این بیانگر ضعف ترجمه طاهری در سطح نحوی-صرفی است. این مسئله در کاهش رجوع افراد حاذق بر حوزه ادبیات عرب به ترجمه طاهری تاثیرگذار است. اما در ترجمه انصاریان از آن جهت که اصل مخاطب و فهم مخاطب است بسط و توضیح در آن بیشتر می‌باشد؛ بنابراین تلویح، تقلیل و حذف کمتر است.

۳-۳- سطح سوم، گفتمانی - کارکردی

اجزای این سطح که در بخش مبانی نظری بدان اشاره شد، در ذیل با تطبیق آن‌ها در ترجمه سوره ملک ذکر می‌شود:

۳-۳-۱- تعدیل اصطلاحات محاوره‌ای

در هنگام ترجمه، مترجم باید سعی نماید که از اصطلاحات محاوره‌ای در متن ترجمه بکاهد؛ زیرا که اصطلاحات محاوره‌ای در دستور زبان مقصد جایگاهی ندارد (Garcés, 1994: 149). در واقع، در دستور زبان مقصد باید از جایگزینی مناسب استفاده شود.

به طور مثال، دچار یا دوچار در متون قدیم به معنای «مواجه شدن بر اثر برخورد ناگهانی» است که امروزه به غلط به کار می‌رود؛ بنابراین باید از واژگانی همچون «گرفتار» و «مبتلا» استفاده شود (نقی زاده، ۱۳۹۱: ۱۵۱). انصاریان در آیه ۲۰ ﴿إِنَّ الْكَافِرُونَ إِلَّا فِي غُرُورٍ﴾ کافران جز دچار فریب [شیطان] نیستند آن را به کار برده است.

در واقع، در نحوه انتخاب واژه در زبان مقصد برابری را برمی‌گزیند که در زبان مقصد، معیار و صحیح نمی‌باشد. به طور مثال، در زبان معیار باید سعی شود که از عبارات و فعل‌های چند قسمتی استفاده نشود، بدین معنی که فعل‌های دو قسمتی را تک قسمتی و افعال سه قسمتی را دو قسمتی کرد. استفاده از واژه «مورد» و ساختن افعال از مصادر «افتادن» و «داشتن» به جهت مجهول ساختن افعال، اشتباه رایج برخی مترجمان در برگرداندن عبارات است (نقی زاده، ۱۳۹۱: ۵۲).

در ترجمه طاهری از آیات ۷ ﴿تَقُورُ﴾ به جوش و خروش می‌افتد، ۲۱ ﴿يَزُوقُكُمْ﴾ شما را روزی تواند داد، ۲۸ ﴿رَحِمْنَا﴾ مورد ترحم قرار دهد و ۲۳ ﴿تَشْكُرُونَ﴾ سپاس می‌دارید. این موارد مشاهده می‌شود. در ترجمه انصاریان در آیه ۲۸ ﴿رَحِمْنَا﴾ مورد رحمت قرار دهد. نیز این خطا دیده می‌شود.

۳-۳-۲- حذف منظور متن اصلی

این بخش در ترجمه‌های منتخب سوره ملک فاقد نمونه است.

۳-۳-۳- حذف حواشی

این بخش در ترجمه‌های منتخب سوره ملک فاقد نمونه است.

۳-۳-۴- تغییر به علت اختلافات اجتماعی- فرهنگی

این بخش در ترجمه‌های منتخب سوره ملک فاقد نمونه است.

۳-۳-۵- تغییر لحن

این بخش در ترجمه‌های منتخب سوره ملک فاقد نمونه است.

۳-۳-۶- تغییر ساختار درونی متن مبدأ

تعدیل، تقلیل یا حذف و افزایش تأکیدها، تغییر علایم متن به طوری که در معنا تاثیر گذار باشد (متقی زاده و نقی زاده، ۱۳۹۶: ۱۸۵)، این موارد از عیوب سطح گفتمانی کارکردی است؛ زیرا این تغییرات در برگرداندن زبان مبدأ منجر به تغییر منظور نهایی متن اصلی شود که نمونه‌هایی از آن را در ترجمه این دو مترجم می‌توان دید.

- تغییر افعال مدح و ذم به افعال تعجبی: گاه در ترجمه افعال مدح و ذم و یا ساختارهای مشابه دیده می‌شود مترجم، آن‌ها را با ساختار تعجبی جایگزین کرده و در ترجمه، به صورت جمله تعجبی برگردانده است. عبارات «خوب است، بد است» برگرداندن افعال مدح و ذم «نعم، بُس» در زبان عربی است؛ اما برخی مترجمان آن را به صورت جمله‌های تعجبی ترجمه کرده اند، چنان‌که انصاریان در آیه ۶ عبارت ﴿وَبُئْسَ الْمَصِيرُ﴾ را در ساختار و مفهوم تعجبی (چه بد ..) ترجمه کرده است.

- **تغییر ساختار تأکیدی به ساختار فاقد تأکید:** کاربرد ادات نفی و استثناء مفهوم تأکیدی دارد که اگر مترجم در برگرداندن عبارت بدان توجهی نداشته باشد، از تأکید عبارت متن اصلی کاسته می‌شود. البته همراهی حرف نفی با ادات استثناء را می‌توان به دو صورت مثبت و منفی ترجمه کرد. بدین صورت که در جمله مثبت حروفی همچون فقط، تنها و .. آورده شود و در جمله منفی با حروفی همچون مگر، جز و ... ترجمه شود (نقی زاده، ۱۳۹۱: ۳۱۹؛ معروف، ۱۳۸۷: ۱۳۷).

طاهری آیه ۹ ﴿إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا فِي ضَلَالٍ كَبِيرٍ﴾ را با وجود ادات استثناء و نفی، با جمله مثبت و بدون تأکید ترجمه کرده است (شما در گمراهی بزرگی قرار گرفته‌اید)؛ پس این نوع ترجمه را نمی‌توان ترجمه‌ای دانست که زیبایی‌های ادبی و هنری متن قرآن را انتقال داده باشد؛ زیرا یک بُعد از قرآن تأکیدها و مبالغه‌ها است که باید در ترجمه انتقال داده شود.

- **جایگزینی مجهول و معلوم به جای یکدیگر:** جایگزینی مجهول و معلوم به جای یکدیگر می‌تواند از موارد تغییر در ساختار متن مبدا و تأثیرگذار در معنا باشد. زمانی که فعلی به صورت مجهول به کار می‌رود، نباید آن را به صورت معلوم ترجمه کرد و یا اینکه فعل مجهول را به همراه فاعل ترجمه کرد. در واقع، دلایل متعددی برای مجهول ساختن افعال معلوم وجود دارد که می‌توان از شهرت فاعل، عدم شناخت فاعل و عدم دلیل وجه برای ذکر فاعل نام برد (شرتونی، ۱۳۸۶، ج ۴: ۱۸۸).

بنابراین جابجایی این دو صورت موجب تغییر در اغراض مورد نظر نویسندگان می‌شود. قابل توجه است که برخی شواهد این نوع جایگزینی مجهول و معلوم در سطح اول ذکر شد و این بیانگر تداخل عناصر و زیرمجموعه‌های سطوح با یکدیگر است که گارسس نیز خود بر آن معترف بوده است (Garcés, 1994: 79).

- **تغییر زمان افعال:** گاه در ترجمه مترجمان مواردی در تغییر زمان ماضی به زمان مضارع مشاهده شده که این تغییر در ساختار درونی متن مبدا موجب تغییر معنایی و مقصود متن اصلی می‌شود.

انصاریان در آیه ۲۱، فعل ﴿لَجُّوا﴾: پافشاری می‌کنند ﴿را بدون قرینه به صورت مضارع ترجمه کرده است. طاهری در آیات ۶ ﴿كَفَرُوا﴾: انکار می‌کنند و ۲۱ ﴿لَجُّوا﴾: لجاج می‌ورزند ﴿نیز فعل ماضی را بدون قرینه به مضارع ترجمه کرده است.

سطح سوم، گفتمانی-کارکردی

مترجمان	تعدیل اصطلاحات محاورة‌ای	تغییر ساختار درونی متن مبدأ			
		تغییر افعل ذم به تفعیل	تغییر ساختار تأکیدی به ساختار فاقد تأکید	جایگزینی معلوم و مجهول	تغییر زمان افعال
انصاریان	۲	۱	۰	۰	۱
طاهری	۴	۰	۱	۲	۲



بنابر مقدار زیر گروه «تغییر ساختار درونی متن مبدأ» در ترجمه سوره ملک و مقایسه این زیرگروه در میان دو مترجم، می‌توان چنین برداشت کرد که ترجمه طاهری به جهت فراوانی بیشتر در این زیرگروه نتوانسته به پیام دقیق زبان مبدأ تصریح کند. به عبارتی ترجمه انصاریان زیبایی‌های قرآن و زبان ادبی و هنری قرآن را بهتر به زبان مقصد انتقال داده است.

۳-۴- سطح چهارم، سبکی - منظورشناختی

آخرین سطح الگوی گارسس در بردارنده‌ی عناصر زیر می‌باشد:

۳-۴-۱- حفظ ساختارهای متن مبدأ

برخی مترجمان آن‌چنان مقید به ساختار نحوی متن اصلی و زبان مبدأ می‌شوند که دیگر دستور زبان مقصد را فراموش می‌کنند و بدین ترتیب همان قاعده زبان مبدأ را به زبان مقصد انتقال می‌دهند.

- کاربرد صفت تفضیلی در زبان مقصد: همراهی ساختار «افعل» با اسم نکره (مفرد یا جمع) در زبان عربی، صفت تفضیلی نام دارد؛ اما باید توجه داشت که در برگرداندن به زبان فارسی، به صورت صفت عالی نگاشته می‌شود (کریمی نیا، ۱۳۸۹: ۴۳).

انصاریان و طاهری هر دو در آیه ۲ سوره ملک ﴿أَحْسَنُ عَمَلًا﴾ نیکوکارترید، در عمل بهترید﴿ با اضافه کردن پسوند «تر» به صفت، به همان صورت صفت تفضیلی ترجمه کرده‌اند و سعی در حفظ ساختار زبان مبدأ داشته‌اند.

- کاربرد حرف فاء جزای شرط: در زبان عربی قرار گرفتن فاء بر جواب شرط طلبی، واجب است (شرتونی، ۱۳۸۴، ج ۴: ۱۷۷)؛ اما این قاعده در زبان فارسی به کار نمی‌رود. در جمله شرطی فارسی «اگر بخواهی، به نزد تو می‌آیم»، حرف «پس» ذکر نمی‌شود (شهیدی و معین، ۱۳۷۷، ج ۲: ۲۲۷۰-۲۲۷۲). اما انصاریان در آیات ۲۸ ﴿فَمَنْ﴾: پس چه کسی﴿ و ۳۰ ﴿فَمَنْ﴾: پس کیست﴿ حرف فاء شرطیه را ترجمه کرده است و ساختار زبان مبدأ را بدون در نظر گرفتن ساختار زبان مقصد به زبان مقصد انتقال داده است. در این قسمت ترجمه

طاهری حذف نموده و ترجمه انصاریان ساختار زبان مبدأ را به زبان مقصد انتقال داده است؛ به نظر می‌رسد عملکرد ترجمه طاهری به دلیل رعایت ساختار زبان مقصد برتر است؛ زیرا توجه به ساختار زبان مقصد در ترجمه از نکات کلیدی است که مترجم باید به آن دقت داشته باشد. با وجودی که ترجمه انصاریان در قسمت‌های قبل مخاطب‌گرا بود در این جا به ساختار زبان مقصد توجه نداشته است. به نظر می‌رسد انصاریان در سطح چهارم الگوی گارسس کمتر مخاطب‌گرایی خود را نشان داده است.

- کاربرد فعل با حرف «لو»: زمانی که در ساختار شرطیه از حرف لو امتناع وجود استفاده شود، به طور غالب، فعل و جواب شرط هر دو به صورت ماضی استمراری ترجمه می‌شود (معروف، ۱۳۸۷: ۱۷۴). انصاریان در آیه ۱۰ ﴿لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ﴾ اگر ما شنیده بودیم یا تعقل کرده بودیم ﴿﴾ به صورت ماضی بعید ترجمه کرده است.

- کاربرد کان همراه با فعل مضارع: افزون بر مورد یاد شده، همراه بودن کان با فعل مضارع نیز دلالت بر ماضی استمراری در زبان فارسی دارد (معروف، ۱۳۸۷: ۱۷۴). طاهری در آیه ۲۷ ﴿كُنْتُمْ بِهِ تَدْعُونَ﴾ خواستارش بودید ﴿﴾ به ماضی ساده ترجمه کرده است.

- ترجمه «ی» برای صفت نکره: ترجمه اسم نکره در زبان فارسی با همراه سازی «ی» در آخرین حرف واژه معادل است. اما زمانی که نکره در ترکیب وصفی قرار گیرد و به عبارت دیگر، موصوف و صفت هر دو نکره باشند در این صورت در زبان فارسی فقط تنکیر موصوف را به ترجمه انتقال می‌دهیم و صفت بدون یاء تنکیر به کار می‌رود (نقی زاده، ۱۳۹۱: ۴۰). طاهری و انصاریان در آیه ۹ ﴿ضَلَّالٍ كَبِيرٍ﴾ گمراهی بزرگی ﴿﴾ از این نکته غفلت کرده‌اند.

۳-۴-۲- اشتباه مترجم

گاه مترجم به دلیل بد فهمی یا کم‌دانی او در زبان مبدأ و زبان مقصد اشتباه می‌کند (متقی زاده و نقی زاده، ۱۳۹۶: ۱۸۷). این اشتباهات می‌تواند در حوزه وسیعی اعم از معادل‌یابی نادرست، تشخیص نادرست نقش واژگان قابل تعریف باشد.

- کاربرد «آتی ب»: پرتکرارترین فعل‌های لازمی که در قرآن کریم با آوردن بای تعدیه مفعول گرفته‌اند، عبارتند از «جاء ب، ذهب ب و آتی ب» که به ترتیب به معانی «آورد، بُرد، آورد» است. بنابراین در همراهی حرف جر باء باید دقت نمود که در ترجمه‌ها به درستی برگردان شود. که در ذیل نمونه‌ای از ترجمه گزارش می‌شود. طاهری در آیه ۳۰ ﴿يَأْتِيَكُمْ﴾ ب) را به (پدید آورد) ترجمه کرده است.

- معادل یابی نادرست: یکی دیگر از اشتباهات مترجم زمانی است که در معادلیابی واژگان دقت کافی ندارد. انصاریان در آیه ۲۲ ﴿يَمْشِي﴾ را به «حرکت می‌کند» ترجمه کرده است در حالی که به معنای «راه می‌رود» است و به طور قطع هر حرکت کردنی مستلزم راه رفتن نمی‌باشد. نمونه‌ای دیگر، طاهری در آیه ۱۸ «نَكِير» را به «تعرض» ترجمه کرده است؛ اما معنای صحیح آن «کیفر، عقوبت»^{۵۲} است. همچنین ایشان در ترجمه آیه ۱۱ برای واژه ﴿سُحْقًا﴾ معادل «بدا» به کار برده است؛ اما معنای صحیح «لعت باد، دور باد..»^{۵۳} می‌باشد. افزون بر این موارد، طاهری در آیه ۴ واژه ﴿خَاسِبًا﴾ به (خجسته) ترجمه کرده است و این در حالی است که معنای این واژه بر طبق منابع لغوی چنین نیست.^{۵۴}

نمونه مهمی دیگر که قابل توجه است، واژه لطیف است. انصاریان در آیه ۴ ﴿اللطيف﴾ را به همان (لطیف) ترجمه کرده است. در واقع همانندسازی نموده است و این همانندسازی در این جا خطاست؛ زیرا این واژه در زبان عربی به معنای «باریک بین» است در حالی که همین واژه در زبان فارسی به معنای «نرم و خوشایند» است؛ پس واژه‌ی لطیف معادلی مناسب برای «لطیف» در زبان عربی نیست. همچنین طاهری و انصاریان در آیه ۲۰، هذا را به «آنان» ترجمه کرده‌اند. طاهری، استفهام همزه را در آیه ۱۴ را به (چگونه) ترجمه کرده است. انصاریان در آیه ۱۶ ﴿فَإِذَا﴾ را به (در حالی که) ترجمه کرده است. طاهری در آیه ۱۰ ﴿وَقَالُوا: و اضافه می‌کنند﴾ و آیه ۱۶ ﴿فَإِذَا: در حالی که﴾ معادل‌های نادرستی را انتخاب کرده است.

۳-۴-۳- بیان نامناسب اصطلاحات در متن مقصد

انصاریان و طاهری در آیه ۲۰ ﴿مَنْ دُونَ﴾ را به (در برابر) ترجمه کرده‌اند؛ اما مقصود قرآن از این کاربرد در زبان فارسی همان معنای «به جز، به غیر از» می‌باشد.

۳-۴-۴- حفظ اعلام

این بخش در ترجمه‌های منتخب سوره ملک فاقد نمونه است.

۳-۴-۵- بسط خلاقه

این بخش در ترجمه‌های منتخب سوره ملک فاقد نمونه است.

۳-۴-۶- پرگویی در برابر ساده‌گویی

یکی از موارد پرگویی در برابر ساده‌گویی در زبان مقصد را می‌توان کاربردهای عاطفی دو واژه قریب المعنی در برابر یک واژه در زبان مبدأ نام برد. باید توجه داشت برخی از معادل‌هایی که به صورت واژگان قریب‌المعنی در ترکیب عاطفی به کار می‌روند، از نظر بار عاطفی یا گونه‌ی زبانی یا شمول معنایی یا شدت و ضعف متفاوتند و آوردن آن‌ها در کنار یکدیگر متن ترجمه شده را مبهم، دشوار و یا اشتباه می‌کند. به طور مثال در فارسی، «اقتصادی و خسیس»، «همسر و شوهر»، «قالی و فرش»، و «بد و پلید» از جمله واژگانی هستند که بدین صورت عاطفی به کار می‌روند (ناظمیان، ۱۳۹۲: ۴۵-۴۸).

این در حالی است که این واژه‌ها با یکدیگر مترادف کامل ندارند بلکه از جهاتی با یکدیگر متفاوتند. به بیانی روشن‌تر، «اقتصادی و خسیس» از نظر بار عاطفی، «همسر و شوهر» از نظر گونه‌ی زبانی، «قالی و فرش» از نظر شمول معنایی، «پیر و فرسوده» و «بد و پلید» از نظر شدت و ضعف با یکدیگر متفاوت‌اند و از این‌رو، در یک مرتبه‌ی معنایی و کاربردی نیستند.

انصاریان به تعدد از این گونه واژگان قریب المعنی در ترجمه آیه ۱ ﴿تَبَارَكَ: سودمند و با برکت است﴾، آیه ۳ ﴿فُطُور: خلل و نابسامانی و ناهمگونی﴾، آیه ۷ ﴿تَقُور: جوش و فوران- شهباء: هولناک و دلخراش﴾، آیه ۸ ﴿تَمَيُّز: متلاشی و پاره پاره شود﴾، آیه ۱۱ ﴿شَحَقًا: مرگ و دوری از رحمت﴾، آیه ۱۵ ﴿النُّشُور: برانگیختن مردگان و رستاخیز﴾، آیه ۱۶ ﴿تَمُور: زلزله و جنبش موج آسایش را ادامه دهد﴾، آیه ۲۲ ﴿مَكْبًا عَلَى وَجْهِهِ: نگونسار و به صورت افتاده﴾، آیه ۲۷ ﴿سَيِّئًا: درهم و زشت﴾ و آیه ۳۰ ﴿مَاءٍ مَعِينٍ: آب روان و گوارا﴾ استفاده کرده است. و یکی از دلایل بالا بودن داده های بسط و توضیح در ترجمه انصاریان به همین مسأله باز می گردد. طاهری نیز در آیات ۷ ﴿تَقُور: جوش و خروش می افتد﴾ و ۲۷ ﴿سَيِّئًا: زشت و سیاه﴾ واژگان قریب المعنی را معادل قرار داده است.

۳-۴-۷- تغییر در کارکرد صنایع بلاغی

از منظر علم معانی، هر تقدیم و تأخیری که خلاف اصل صورت گیرد، دارای غرض و مفهومی می باشد. و همچنین تعریف و تنکیر اسم با اغراض گوناگونی صورت می گیرد که در ذیل نمونه هایی از ترجمه سوره ملک ذکر می شود.

-تقدیم شبه جمله بر مبتدا: این نوع تقدیم از جمله مواردی است که با توجه به ترتیب اجزای جمله می توان مفهوم تأکید و حصر را یافت. بنابراین توجه مترجم به این مسائل و انتقال آن در ترجمه حائز اهمیت است؛ زیرا گاه موجب نارسایی کامل مفهوم متن اصلی می شود.

انصاریان در ترجمه آیه ۲۹ ﴿عَلَيْهِ تَوَكَّلْنَا﴾ به تقدیم خبر بر مبتدا و مفهوم انحصار آن توجه نکرده است و به صورت «و بر او توکل کردیم» ترجمه کرده است.

طاهری در آیات ۶ ﴿وَلِلَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ عَذَابُ جَهَنَّمَ﴾ و ۱۲ ﴿لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ كَبِيرٌ﴾ شبه جمله مقدم را به (در انتظار دارند) ترجمه کرده است؛ به نظر نگارنده، عبارت «در انتظار دارند» نمی تواند جمله ای برابر برای حرف لام باشد؛ زیرا که در متن قرآن از عباراتی همچون «منتظرون، فی الانتظار» استفاده نشده است. و افزون بر این، تقدیم خبر بر مبتدا از

نظر علم بلاغت بیان کننده‌ی قطعی بودن حکم و نقش تأکیدی دارد، از این رو، عبارت «انتظار دارند» برای این نوع کاربرد عربی مناسب نیست و شاید عبارت «آنان را آمرزش و پاداشی بزرگ خواهد بود» مناسب‌تر باشد.

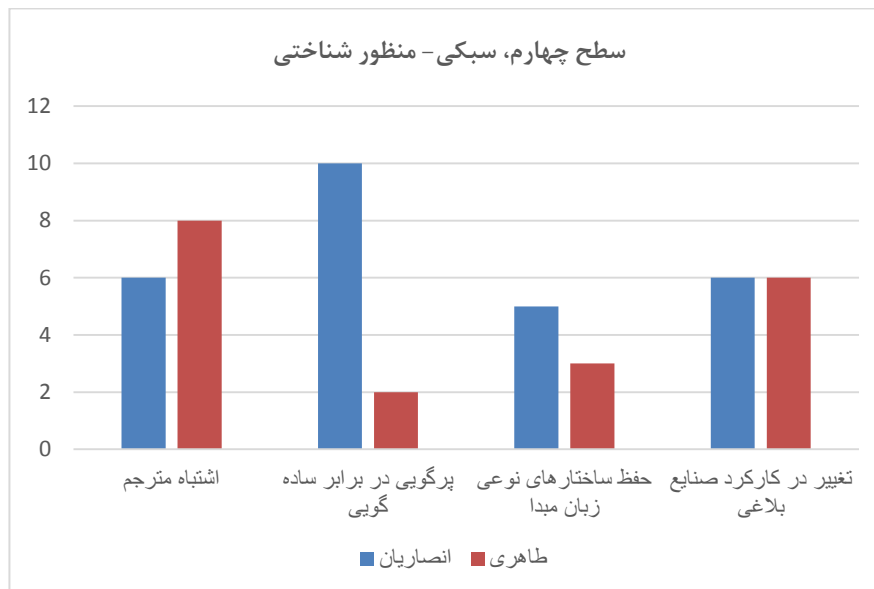
-توجه نکردن به تعریف یا تنکیر اسم: لحاظ نکردن اسم نکره در ترجمه موجب کاهش انتقال مقصود نویسنده در متن اصلی می‌شود؛ زیرا گاه غرض از تنکیر اسم، تعظیم، تحقیر و .. می‌باشد که مترجم با غفلت از آن، مقصود زبان مبدا را منتقل نمی‌کند.

طاهری در آیات ۲۰ ﴿جَنَّدُ لَكُمْ﴾ سپاه شما، ۲۶ ﴿نَذِيرٌ مِّمَّنْ﴾ هشدار دهنده آشکار، ۲۸ ﴿عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾ عذاب دردناک، ۳۰ ﴿مَاءٌ مَّعِينٌ﴾ آب جاری، انصاریان در آیات ۹ ﴿نَذِيرٌ﴾ بیم دهنده - شیء: هیچ چیز، ۲۲ ﴿صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ﴾ راه راست، ۲۸ ﴿عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾ عذاب دردناک، ۳۰ ﴿مَاءٌ مَّعِينٌ﴾ آب روان و گوارا نکره را به صورت معرفه ترجمه کرده‌اند.

گاه نیز اسم معرفه به صورت نکره در نظر گرفته می‌شود که انصاریان در آیه ۵ ﴿عَذَابُ السَّعِيرِ﴾ به «آتشی افروخته» ترجمه کرده است. در جدول و نمودار زیر تعداد هریک از موارد شماره گذاری شده و به صورت نموداری گزارش می‌شود.

سطح چهارم، سبکی-منظور شناختی

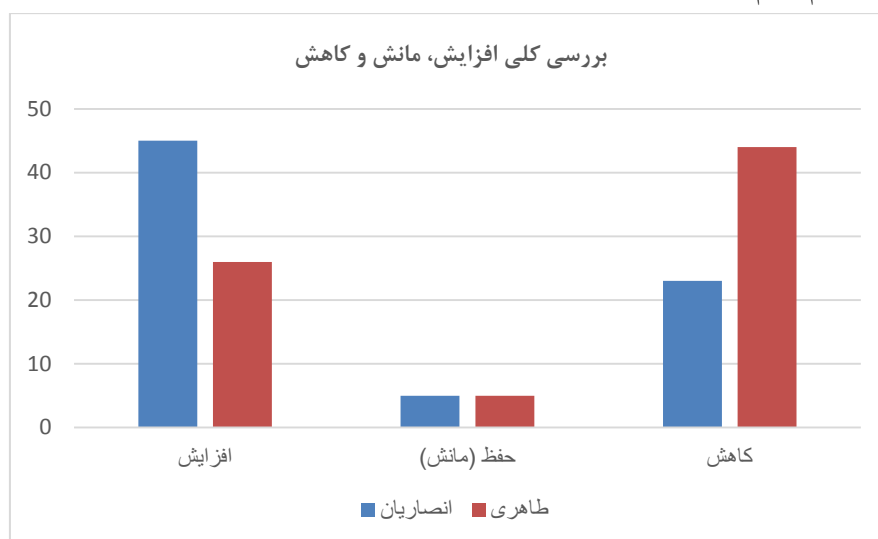
مترجمان	اشتباه مترجم			برگویی در برابر ساده گویی	حفظ ساختارهای نوعی زبان مبدا						تغییر در کارکرد صنایع بلاغی	
	کاربرد «آئی ب»	مبادل بائی نادرست	بیان نامناسب اصطلاحات در زبان مقصد		کاربرد صفت تفضیلی در زبان مقصد	کاربرد حرف فاء جزای شرط	کاربرد فعل با حرف «و»	کاربرد کان همراه با فعل مضارع	ترجمه ای برای صفت نکره	تقدیم شبه جمله بر مبتدا	توجه نکردن به تعریف یا تنکیر اسم	
انصاریان	۰	۵	۱	۱۰	۱	۲	۱	۰	۱	۱	۵	
طاهری	۱	۷	۱	۲	۱	۰	۰	۱	۱	۲	۴	



فراوانی داده عنصر «پَرَگویی در برابر ساده گویی» در ترجمه انصاریان نسبت به ترجمه طاهری نشان می‌دهد که ترجمه انصاریان با توضیحات بیشتر همراه است و این خود می‌تواند بیانگر اهمیت و ضرورت تفهیم پیام به مخاطب در ذهن مترجم باشد.

قابل توجه است که تمامی عناصر گفته شده را می‌توان از منظری دیگر ترسیم کرد؛ گارسس در عین ارزیابی ترجمه بر چهار سطح فوق، بر این امر اذعان دارد که می‌توان تمامی این عناصر را از دیدگاه دیگر به سه گروه عمده افزایش، مانش (حفظ) و کاهش تقسیم کرد (Garcés, 1994:85). قابل ذکر است که مزیت این نوع ارزیابی ترجمه، پیشگیری از تداخل عناصر و زیرمجموعه‌ها می‌شود و این در حالی است که گارسس، الگوی چهار سطحی خود را با این دیدگاه مطرح می‌کند که گاه برخی عناصر و زیرمجموعه‌ها با یکدیگر تداخل دارند که محققان در حین تطبیق این الگو بر مطالعه موردی خویش متوجه این تداخل خواهند شد. منظور از افزایش، هرگونه بسط در تفهیم و ترجمه متن مبدأ است که می‌توان عناصری همچون تعریف یا توضیح، بسط، دستورگردانی، دگربینی، تغییر ساختار

درونی متن مبدا را در حوزه افزایش برشمرد. مانس (حفظ)، به مواردی گفته می‌شود که سعی در حفظ اطلاعات دارد که عبارتند از معادل فرهنگی، اقتباس، ابهام، ترجمه تحت اللفظی، جبران، تغییر نوع جمله، نارسایی در معادل، تغییر لحن، حفظ اسامی خاص و ساختارهای خاص متن مبدا. و در نهایت حوزه کاهش شامل مواردی از جمله کاهش، حذف، تقلیل، تعدیل اصطلاحات محاوره‌ای، حذف قسمتی از متن یا بند و اشتباه یا ساده-انگاری مترجم می‌شود (Garcés, 1994:85). جدول ذیل بر اساس همین معیارها برای هر دو مترجم رسم شده است.



فراوانی داده بخش افزایش در ترجمه انصاریان نسبت به ترجمه طاهری بیانگر آن است که ترجمه انصاریان جنبه توضیحی و تفسیری دارد. همچنین قرینه‌ای دیگر بر ترجمه تفسیری انصاریان، مقدار کم مصداق در بخش کاهش و مقایسه میزان داده با بخش کاهش ترجمه طاهری است.

پس از کاربست الگوی گارسس، اینک به سنجش میزان کیفیت و مقبولیت ترجمه سوره ملک به قلم انصاریان و طاهری بر اساس شاخص‌های مثبت و منفی نظریه گارسس

مقایسه و ارزیابی ترجمه انصاریان و طاهری از سوره ملک ... سیده محبوبه کشفی و زهرا قاسم نژاد

پرداخته می‌شود (رشیدی و فرزانه، ۱۳۸۹: ۷۱) بدین جهت در جدول ذیل به معرفی شاخص‌ها و میزان فراوانی هریک در نزد دو مترجم پرداخته می‌شود.

میزان فراوانی شاخص‌ها

شاخص‌های مثبت	فراوانی شاخص در ترجمه انصاریان	فراوانی شاخص در ترجمه طاهری	شاخص‌های منفی	فراوانی شاخص در ترجمه انصاریان	فراوانی شاخص در ترجمه طاهری
تعریف و توضیح	۱۳	۱۰	ابهام	۰	۰
دگربینی	۵	۴	ترجمه تحت اللفظی	۰	۲
دستورگردانی	۰	۱	نارسایی در مفهوم معادل‌ها	۰	۰
جبران	۰	۰	تغییر لحن	۰	۰
تغییر در نوع جمله	۰	۰	تغییر در ساختار درونی متن مبدا	۲	۵
حذف حواشی	۰	۰	تعدیل، حذف و تقلیل	۹	۱۸
تغییر به علت تفاوت‌های فرهنگی-اجتماعی	۰	۰	تعدیل اصطلاحات محاوره‌ای	۲	۴
بسط واژگانی	۱۵	۴	قبض واژگانی	۶	۱۳
اقتباس	۰	۰	حفظ ساختارهای متن مبدا	۵	۳
تغییر در کارکرد صنایع بلاغی	۶	۶	بسط خلاقه	۰	۰
حفظ اعلام در متن مبدا	۰	۰	پراگویی در برابر ساده گویی	۱۰	۲
مجموع فراوانی	۳۹	۲۵	اشتباه مترجم	۶	۹
			مجموع فراوانی	۴۰	۵۶

۴- نتیجه‌گیری

در این نوشتار با کاربرست الگوی گارسس بر ترجمه‌های انصاریان و طاهری از سوره ملک نتایج ذیل حاصل گردید:

۱. الگوی ارزیابی کیفیت ترجمه گارسس در عین حال که الگویی کاربردی است و قابلیت این را دارد که در جهت تصحیح ترجمه‌های قرآن از آن استفاده نمود. اما دارای یک نقطه ضعف اساسی است و آن تداخلی است که در برخی از سطوح نظریه دیده می‌شود که در متن به آن‌ها اشاره شده است.

۲. ترجمه انصاریان، مصادیق بی‌شماری از بسط واژگانی و توضیح دارد و همچنین برای یک واژه از برابره‌های متعددی استفاده کرده است، که این بیانگر سبک توضیحی و تفسیری ترجمه ایشان است. اما ترجمه طاهری دارای مصادیق متعددی در قبض واژگانی، تعدیل، حذف و تقلیل است به گونه‌ای که گاه ترجمه ایشان برای مخاطب خاص، غیر دقیق به نظر می‌آید.

۳. شاخص‌های مثبت و منفی در الگوی گارسس می‌تواند کیفیت ترجمه را از دیدگاه گارسس تبیین و ارزیابی کند. بر اساس داده‌ها و فراوانی داده‌ها در چهار سطح الگوی گارسس می‌توان چنین نتیجه گرفت که شاخص‌های منفی نسبت به شاخص‌های مثبت در ترجمه سوره ملک به قلم انصاریان یکسان می‌باشد و در ترجمه این سوره به قلم طاهری، نسبت شاخص‌های منفی به شاخص‌های مثبت از فراوانی بیشتری برخوردار است. که این مطلب می‌تواند این فرضیه را قوت بخشد که ترجمه تفسیری در قرآن از کیفیت برتری برخوردار است.

۴. نتایج فراوانی داده‌ها در هر چهار سطح بیانگر آن است که هر دو مترجم، طاهری و انصاریان، در دو سطح «معنایی- واژگانی» و «سبکی- منظور شناختی» نسبت به دو سطح

مقایسه و ارزیابی ترجمه انصاریان و طاهری از سوره ملک ... _____ سیده محبوبه کشفی و زهرا قاسم نژاد

دیگر موفق‌تر بوده‌اند. و این مسأله نشان می‌دهد مترجمان ما در ترجمه‌های خود به هر چهار سطح مطرح در نظریه گارسس توجه نداشته‌اند.

۵. شاخص‌های مرتبط با حوزه زبان مقصد در ترجمه سوره ملک به قلم انصاریان نسبت به ترجمه طاهری قابل توجه‌تر است و این بیانگر رویکرد مترجم در مخاطب محوری و مقصدگرایی است. مقادیر به دست آمده از جداول، نشان می‌دهد که هر دو مترجم در چهار سطح نمونه‌هایی را رعایت نمودند؛ اما ترجمه انصاریان در بیان مفاهیم ترجمه، بیشتر توجه به مخاطب در زبان مقصد داشته است و ترجمه طاهری به جهت اشتباهات، قبض واذگانی و تغییر در ساختار درونی متن مبدا گاه از پیام زبان مبدا فاصله گرفته است.

۵- پی‌نوشت‌ها

- 1.Viney
- 2.Darbelnet
- 3.Newmark
- 4.Airwa
- 5.Monen
- 6.Nouvert
- 7.Saintouio
- 8.Nida
- 9 . Semantic - lexical level
- 10.The Definition and explanation
- 11 . Cultural or Pragmatical equivalents
- 12 . syntactic Expansion
- 13 . syntactic contraction
- 14 . Ambiguity
- 15 . General against particular Or on the contrary
- 16 .Adaptation
- 17 . syntactic - Morphological level
- 18 . Literal translation
- 19 . Changing in the syntax or structure
- 20 . Change in perspective or expression
- 21 . Compensation
- 22 . Explaining and expanding meaning
- 23 . Implication
- 24 . Reduction

- 25 . deletion
- 26 . Changing in type sentence
- 39 . Pragmatical - discursive Level
- 45 . Reduction in dialogic Idioms
- 40 . Removeing the purpose of original author
- 41 . Removing the Margins
- 42 . Changing due to socio-cultural differences
- 43 . changing tone
- 44 . Stylistic - Pragmalinguistic level
- 45 . Inappropriate expression of idioms in the destination text
- 46 . Maintaining the Typical structures of a source text
- 47 . Maintaining the Special name with same equivalent in source text
- 48 . Translator mistake
- 49 . Creative extension
- 50 . redundancy against simplicity
- 51 . The Changing Function of the rhetorical industries

۵۲. «انکار» از ریشه «نکر» است. فراهیدی در العین «نکر» را این گونه معنا می‌کند: «النُّكْرُ: الدَّهَاءُ. و [النُّكْرُ]: نعت للأمر الشديد، و الرجل الداهي. يقال: فعله من نُكْرِهِ، و نَكَارَتِهِ. و النُّكْرَةُ: نقیض المعرفة» (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۵: ۳۵۵). صاحب کتاب جمهره اللغة در بیان واژه‌ی «نکیر» می‌نویسد: «شتمتُ فلاناً فما كان عنده نُكِيرٌ، أی لم يمنع عن نفسه» (ابن درید، ۱۹۸۸، ج ۲: ۷۹۹). اما ازهری در تعریف «نکر» با فراهیدی هم جهت است اما واژه‌ی «نکیر» را این گونه تعریف می‌کند: «النُّكِيرُ: اسمٌ للإِنكار الذي معناه التَّغْيِيرُ» (ازهری، ۱۴۲۱، ج ۱۰: ۱۱۰).

ابن فارس درباره واژه «نکر» می‌نویسد: «النون و الكاف و الراء أصلٌ صحيح يدلُّ على خلاف المعرفة التي يَسْكُنُ إليها القلب» (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۵: ۴۷۶). راغب اصفهانی نیز همین معنا را قائل است و آن را بر خلاف شناخت می‌داند و معتقد است «مُنْكَرٌ» در کاربرد قرآن، بر هر کاری که عقل سلیم، به زشتی آن حکم می‌کند یا این که عقل در زشتی و خوبی آن سکوت می‌کند اما دین و شریعت، بدی و زشتی آن را بیان می‌کند، دلالت دارد. علاوه بر این، واژه‌ی قرآنی «مُنْكَرٌ» را ردّ زبانی می‌داند که در واقع، علت و سبب انکار با زبان، همان انکار با قلب است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۸۲۴). مصطفوی نیز آن را به معنای تغییر می‌داند: «نَكْرَتُهُ تَنْكِيرٌ فَتَنْكَرُ مِثْلُ غَيْرَتِهِ تَغْيِيرٌ فَتَغْيَرُ وَزَنّاً وَ مَعْنَى» (مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۱۲: ۲۴۰). بنابراین معنای تعرض بعید به نظر می‌رسد.

۵۳. ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۳: ۱۳۹

۵۴. مصطفوی در معنای این ماده می‌نویسد: «هو الطرد مع الالهانه» (مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۳: ۵۲) همچنین ابن فارس برای این ماده چنین می‌نویسد: «الخاء و الهمزة يدل على الابعاد» (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۲: ۱۸۲).

۶- منابع

✽قرآن کریم

- ۱- ابن درید، محمد بن حسن، *جمهره اللغة*، تصحیح عادل عبدالرحمن البدری، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، (۱۴۲۸ق).
- ۲- ابن فارس، أحمد بن فارس، *معجم مقاییس اللغة*، به تحقیق عبد السلام محمد هارون، قم: مکتب الاعلام الاسلامی، چاپ اول، (۱۴۰۴ق).
- ۳- أزهري، محمد بن احمد، *تهذيب اللغة*، دار احیاء التراث العربی، (بی‌تا).
- ۴- انصاریان، حسین، *ترجمه قرآن*، قم: اسوه، چاپ اول، (۱۳۸۳ش).
- ۵- تفتازانی، مسعود بن عمر، *مختصر المعانی*، قم: دارالفکر، (۱۳۷۶ش).
- ۶- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، *مفردات الالفاظ القرآن*، به تحقیق صفوان عدنان داوودی، بیروت: دار القلم- الدار الشامیة، چاپ اول، (۱۴۱۲ق).
- ۷- رحیمی خویگانی، محمد، علی کرمی، عسگر، باقری دهباز، حمید، «نقدی بر انتخاب‌های واژگانی محمد دشتی در ترجمه‌ی نهج البلاغه از منظر سطح معنایی- لغوی گارسس»، *دوفصلنامه پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی*، ش ۱۹، ص ۹-۳۱، (۱۳۹۷ش).
- ۸- رشیدی، ناصر، فرزانه، شهین، «ارزیابی و مقایسه ترجمه‌های فارسی رمان انگلیسی شاهزاده و گدا اثر مارک تواین بر اساس الگوی گارسس»، *دوفصلنامه زبان پژوهی دانشگاه الزهراء*، ش ۳، ص ۵۷-۱۰۵، (۱۳۸۹ش).
- ۹- سیوطی، جلال الدین، *الاتقان فی علوم القرآن*، بیروت: دارالکتب العربی، چاپ دوم، (۱۴۲۱ق).
- ۱۰- شرتونی، رشید، *مبادئ العربیة فی الصرف و النحو*، تهران: اساطیر، چاپ دوازدهم، (۱۳۸۶ش).
- ۱۱- شهیدی، سیدجعفر، معین، محمد، *لغت نامه دهخدا*، تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، (۱۳۷۷ش).
- ۱۲- طاهری قزوینی، علی‌اکبر، *ترجمه قرآن*، تهران: قلم، چاپ اول، (۱۳۸۰ش).
- ۱۳- فراهیدی، خلیل بن أحمد، *کتاب العین*، قم: نشر هجرت، چاپ دوم، (۱۴۰۹ق).
- ۱۴- کریمی نیا، مرتضی، *ساخت‌های زبان فارسی و مسئله ترجمه قرآن*، تهران: هرمس، (۱۳۸۹ش).

- ۱۵- متقی زاده، عیسی، نقی زاده، سید علاء، «ارزیابی ترجمه متون ادبی فارسی به عربی بر اساس مدل کارمن گارسس (پیام رهبر انقلاب به مناسبت موسم حج ۱۳۹۵ برای نمونه)»، پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی، سال ۷، شماره ۱۶، ص ۱۶۹-۱۹۳، (۱۳۹۶ش).
- ۱۶- مصطفوی، حسن، *التحقیق فی کلمات القرآن*، لندن: دارالکتب العلمیه، مرکز نشر آثار مصطفوی، (۱۳۶۸ش).
- ۱۷- معروف، یحیی، فن ترجمه: اصول نظری و عملی ترجمه از عربی به فارسی و فارسی به عربی، تهران: سمت، چاپ هفتم، (۱۳۸۷ش).
- ۱۸- مکارم شیرازی، ناصر، *تفسیرنمونه*، تهران: دارالکتب الإسلامیه، چاپ اول، (۱۳۷۴ش).
- ۱۹- ناظمیان، رضا، روش‌هایی در ترجمه از عربی به فارسی، تهران: سازماذ مطالعات و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها، چاپ هفتم، (۱۳۹۲ش).
- ۲۰- نقی زاده، سید علاء، کارگاه ترجمه عربی به فارسی همراه با نکات نگارشی و ویرایشی، قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، چاپ اول، (۱۳۹۱ش).
- 21- Garcés, Carmen Valero, A methodological proposal for the assessment of translated literary works, *Babel*, 40, 77-101, (1994).
- 22- Newmark, Peter, *A textbook of translation*, New York: Prentice-Hall, (1988).